

دلایل عدم استقرار نظام حکمرانی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی کشور

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

احسان پروین^۱، شهرام مهرآور گیگلو^۲، هدا نجفپور^۳

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف شناسایی دلایل عدم استقرار نظام حکمرانی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی کشور انجام شد. **روش:** رویکرد پژوهش حاضر، کیفی است و در آن از راهبرد پدیدارشناسی توصیفی استفاده شد. مشارکت کنندگان در پژوهش، شامل خبرگان دانشگاهی و پژوهشگاهی با سابقه انجام پژوهشهای حوزه دانشگاه اسلامی بودند که با استفاده از روش هدفمند، از نوع گلوله برفی و با در نظر گرفتن اشباع نظری در یافته‌ها، تعداد ۱۴ نفر انتخاب شدند. ابزار پژوهش حاضر، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود که به روش کدگذاری تحلیل شد. **یافته‌ها:** دلایل عدم استقرار نظام حکمرانی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی کشور ایران در پنج مقوله نبود الگوی مدیریتی مبتنی بر سند دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی، کم توجهی در تربیت حکمرانان و مدیران مبتنی بر شاخصها و ویژگی‌های دانشگاه اسلامی، غلبه مدیریت سیاسی بر مدیریت اسلامی و علمی در نظام آموزش عالی، عدم باور و همراهی عمده بدنه علمی و کارشناسی وزارت علوم، دانشگاهها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی در استقرار و مدیریت دانشگاه اسلامی و ملتزم نبودن مدیران و رؤسای نظام آموزش عالی کشور به مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در خصوص مدیریت مبتنی بر دانشگاه اسلامی تقسیم‌بندی شدند. **نتیجه گیری:** با عنایت به یافته‌های پژوهش، به منظور استقرار حکمرانی و مدیریت اسلامی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی کشور، ایجاد ساختارهای پاسخگو و منعطف در دانشگاهها، متناسب با نیازهای جامعه اسلامی توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: نظام حکمرانی، دانشگاه اسلامی، حکمرانی اسلامی، نظام آموزش عالی.

◆ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

۱. دکترای مدیریت آموزش عالی، دانشگاه علامه طباطبائی. تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Ehsan_parvin@yahoo.com

۲. دکترای مدیریت آموزش عالی، دانشگاه علامه طباطبائی. تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری مدیریت سیاستگذاری علم و فناوری، دانشگاه مازندران. مازندران، ایران.

الف) مقدمه

از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی تغییرات شگرفی در آموزش عالی در سراسر دنیا اتفاق افتاده است. با توجه به اینکه حکمرانی یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین جنبه‌های آموزش عالی است و تأثیر زیادی بر کلیه فعالیتها و عملکردهای آموزشی و پژوهشی دارد؛ به طور آشکار و قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر این تغییرات قرار گرفته است (هوانگ، ۲۰۱۸). بنابر این، حکمرانی آموزش عالی در بسیاری از کشورها به یکی از اولویتهای اصلی و کلیدی تبدیل شده است (متناویر^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). پس از انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۹ فرمانی به نام «انقلاب فرهنگی» از سوی امام خمینی برای اسلامی کردن دانشگاههای کشور صادر شد: «باید انقلابی اساسی در تمام دانشگاههای سراسر ایران به وجود آید». به دنبال این فرمان، پس از تعطیلی سه ساله دانشگاههای کشور و انجام اقداماتی در راستای اسلامی کردن، به نظر می‌رسید که موانع اصلی و عمده اسلامی شدن دانشگاهها برطرف شده باشد، اما سیر تحولات در عمل این چنین نبود. تا اینکه رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۵/۲/۲۹ فرمودند: «دانشگاههای کشور هنوز اسلامی نشده و باید اسلامی شود». این سخنان موج جدیدی را برای اسلامی کردن دانشگاهها پدید آورد. همچنین پیرو بیانات رهبر انقلاب و بر اساس مصوبه جلسه ۴۰۲ مورخ ۷۶/۵/۱۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای اسلامی شدن دانشگاهها و مراکز آموزشی به منظور تدوین، راهبری و نظارت بر حسن اجرای سیاستهای لازم برای اسلامی شدن دانشگاهها و مراکز آموزشی با عنایت به دیدگاههای مقام معظم رهبری تشکیل شد. بر اساس آیین‌نامه شورای اسلامی شدن دانشگاهها و مراکز آموزشی، مصوب جلسه ۴۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۵/۱۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی، تدوین و پیشنهاد سیاستها و راهبردهای مرتبط با اسلامی شدن، اولویت اصلی شورا قرار گرفت. برای تحقق این منظور، شورا به نقد و ارزیابی دقیق اقدامات و فعالیتهای گذشته در خصوص اسلامی شدن دانشگاهها پرداخته و با شناسایی نقاط قوت و ضعف، زمینه‌های فکری و مطالعاتی لازم را برای سیاستگذاری دقیق و اصولی و برنامه‌ریزی جامع و واقع‌بینانه فراهم آورد که نتیجه آن، تدوین «سند دانشگاه اسلامی» در سال ۷۷ بود (مهرآور گیگلو، ۱۴۰۰). اما کوتاهی در پیگیری تحول علوم انسانی موجب شد شورای دیگری با عنوان «تحول و ارتقای علوم انسانی» تأسیس شود.

۱. بیان مسئله

فصل هشتم سند دانشگاه اسلامی به نظام مدیریتی پرداخته است که باید دانشگاهها بر پایه این نظام مدیریتی اداره شوند و حکمرانی آموزش عالی بر پایه این سند انجام شود. بعد از سالها که از تصویب و ابلاغ سند دانشگاه اسلامی گذشته، هنوز نظام مدیریتی مبتنی بر این سند طراحی و تدوین نشده است. در نظام مدیریتی سند دانشگاه اسلامی، بر اولویت دادن به صلاحیتهای علمی و تخصصی، به عنوان یکی از راهبردهای سند اشاره شده است. ولی متأسفانه هنوز نوع نگاه ما به دانشگاهها و نحوه اداره آنها با مسائل سیاسی تلفیق شده است که این، راه را بر شایسته‌گزینی در بین مدیران و به تبع آن، حکمرانی خوب در آموزش عالی (دانشگاهها) می‌بندد. ما هنوز نتوانسته‌ایم یک الگوی جامع مدیریتی و حکمرانی مبتنی بر دانشگاه اسلامی تهیه، تدوین و مستقر کنیم؛ الگویی که می‌تواند به عنوان راهنمای اداره آموزش عالی، مسیر پیش روی آموزش عالی کشور را ترسیم کند و دانشگاهها را به سمت نظام مدیریتی و حکمرانی خوب سوق دهد. فصل ۸ سند دانشگاه اسلامی با عنوان «نظام مدیریتی» بر راهبردهای «۱. طراحی و تدوین نظام جامع مدیریت اسلامی در دانشگاهها»، «۲. تدوین شاخصها و ملاکهای اسلامی شایسته‌سالاری در مدیران دانشگاهی» و «۷. تدوین نظام جامع نظارت و ارزیابی هدفمند و مستمر نظام مدیریت اسلامی دانشگاهها» تأکید کرده است که نشان‌دهنده ضرورت و اهمیت توجه به نظام مدیریتی و حکمرانی مبتنی بر مبانی اسلامی در آموزش عالی است.

وضعیت موجود نظام آموزش عالی و نحوه اداره دانشگاههای متبوع آن، نشان از عدم استقرار نظام حکمرانی و مدیریتی خوب در آموزش عالی دارد. بدین ترتیب که انتخاب، انتصاب، عزل و نصب رؤسا و مدیران نظام آموزش عالی کشور و دانشگاهها بر اساس شاخصها و معیارهای اسلامی و مبتنی بر شایسته‌سالاری نیست. بنابر این، یکی از مشکلاتی که آموزش عالی کشور در سالهای اخیر با آن روبه‌رو بوده است و در سالهای آتی نیز گریبان آن را خواهد گرفت، استقرار نیافتن نظام حکمرانی و مدیریتی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی در کشور است. با عنایت به نکات ذکر شده، پژوهش حاضر به دنبال شناسایی دلایل عدم استقرار نظام حکمرانی و مدیریتی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی کشور است.

۲. مبانی نظری

یک) حکمرانی

از حکمرانی، هیچ تعریف واحد و پذیرفته شده‌ای در سطح جهانی وجود ندارد. گاهی مردم از حکمرانی به معنای ساده دولت یا چیزهایی که دولت انجام می‌دهد، استفاده می‌کنند. مفهوم حکمرانی به یک چارچوب محبوب در ادبیات علوم سیاسی معاصر، به ویژه در حوزه علم سیاست در دهه‌های گذشته تبدیل شده است (مولیک^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). مطابق با تعریف کافمن، کرای و ماستروزی^۲ (۲۰۱۱)، حکمرانی شامل سنت، ارزشها و نهادهایی است که از طریق آن اقتدار در یک کشور از جمله فرایندهای انتخاب، پاسخگویی و جایگزینی دولت، احترام به حقوق شهروندان و ظرفیت دولت برای تدوین و اجرای سیاستها اعمال می‌شود. حاکمیت مفهومی گسترده است، در هر سطحی کار می‌کند و زمانی خوب است که به مشکلات جمعی شهروندان پاسخ دهد و نیازهای آنان را به شیوه‌ای مناسب و قابل قبول برآورده سازد. (گریفن، ۲۰۱۰^۳)

هدف از حاکمیت، هدایت و تنظیم فعالیتهای شهروندان از طریق اعمال قدرت و روابط سیستم‌های مختلف است تا منافع عمومی را به حداکثر برساند. تفاوت چندانی بین «حاکمیت» و «دولت» وجود ندارد؛ اما از نظر معنایی، آنها بسیار متفاوت‌اند. لازم است برای درک درست حکمرانی، حکومت را از دولت متمایز ساخت (کینگ، ۲۰۱۸). حکمرانی خوب مشارکتی، شفاف و پاسخگو، مؤثر و منصفانه است که قانون را عادلانه ترویج و اجرا می‌کند؛ همچنین نظارت خوب را تضمین می‌کند تا صدای اقشار فقیر و آسیب پذیر در هنگام تخصیص منابع شنیده شود و این از اولویتهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که بر مبنای توافق گسترده، میان سه بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی تعقیب می‌شوند. (مولیک و همکاران، ۲۰۱۸)

مفهوم «حاکمیت خوب» تبدیل به موضوع اصلی چندین رویکرد شده که هدف آنها اصلاح و به‌روزرسانی سیستم‌های دولتی و حکومتی است (خویا و بن عبدالهادی، ۲۰۲۰^۴). حکمرانی خوب، نقشه راهی است که یک کشور می‌تواند برای دستیابی به اهداف حکومت یا دولت طراحی و تدوین کند و بر اساس آن و حرکت روی این نقشه، تأمین‌کننده منافع دولت و مردم باشد (همان). یک مدل عمومی یا یک مدل مناسب برای حکمرانی خوب در همه شرایط،

1. Mollick
2. Kaufmann, Kraay & Mastruzzi
3. Griffin
4. Khouya & Ben Abdolhadi

دلایل عدم استقرار نظام حکمرانی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی ... ♦ ۱۰۳

وجود ندارد؛ بنابراین، لازم است تا هر کشور و هر سازمان، مدلی مناسب برای خود تدوین کند. با این حال، به طور کلی مؤلفه‌های حکمرانی خوب می‌تواند برای کلیه سازمانهای دولتی و عمومی در دنیا مشابه باشند و فقط در اعمال آنها، کیفیت مقررات و توانایی در تدوین و اجرای سیاستهای نظارتی و حاکمیت قانون است که می‌تواند میزان اعتماد مردم به حکومت را افزایش دهد و فساد را کنترل کند. (کافمن و همکاران، ۲۰۱۱)

دو) دانشگاه اسلامی

با وقوع انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ و حاکم شدن ارزشهای آن بر جامعه، شاهد تغییر و تحول در بخشها و ساختارها و نهادهای مختلف اجتماعی بودیم؛ که یکی از مهم‌ترین بخشها، نهاد آموزش عالی بوده است (مهرآور گیگلو، ۱۴۰۰). مهم‌ترین تحولی که بعد از انقلاب اسلامی در نظام آموزش عالی کشور رخ داد، ناشی از وقوع انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ است. در واقع؛ این پدیده، مقدمه‌ای بر مهم‌ترین تغییر و تحولات نظام آموزش عالی کشور شد که آثار آن را تا به امروز نیز می‌توان در نظام آموزش عالی کشور مشاهده کرد (طریفی، ۱۳۸۹). استاد انقلاب فرهنگی طبق فرمان امام (ره) ملزم بود در برخورد با مسائل دانشگاهی، فعالیتهای خود را بر سه محور تربیت استاد و گزینش افراد شایسته برای تدریس در دانشگاهها، گزینش دانشجو و اسلامی کردن جو دانشگاهها و تغییر برنامه‌های آموزشی دانشگاهها، به صورتی که محصول کار آنها در خدمت مردم قرار گیرد، برنامه‌ریزی کند و به این صورت با تطبیق ماهیت نظام آموزش عالی کشور با بدنه انقلاب اسلامی، مسئله اسلامی شدن دانشگاههای کشور مطرح می‌شود. (رحیمی پطودی، ۱۳۹۰)

جامعه ایرانی که در انقلاب اسلامی با رویکرد الهی، جهان‌بینی اسلامی را مبنای شئون گوناگون زندگی خود قرار داد، خواهان آن است که آموزش عالی متناسب با مبانی و ارزشهای اسلامی داشته باشد تا با تربیت متفکران و مدیران بر وفق آن مبانی و معیارها، به ترویج و تعمیم آنها در جامعه اسلامی مبادرت ورزد (سند دانشگاه اسلامی، ۱۳۹۲). از طرفی، ضرورت‌های عصر جدید نیز ایجاب می‌کند که بازتعریف تازه‌ای از مفهوم دانشگاه در کشور صورت گیرد؛ این دانشگاه در عین اینکه بر دو منبع میراث اسلامی و ایرانی تکیه دارد، باید بتواند راه را برای اعتلای تمدن ایرانی- اسلامی در آینده فراهم کند. چنین حرکتی نیازمند توجه به ابعاد فرهنگی و تمدنی دانش است. (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸)

دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که هدف آن، هدفهای اسلامی و دینی باشد و ارکان آن را نیروهای مؤمن و متعهد تشکیل بدهند و ارزشها در اولویت باشند (زراعت، ۱۳۷۶؛ نقل از

فضل‌الهی و زمانی، ۱۳۹۰). مراد از اسلامی شدن، این است که تمامی عناصر دانشگاه، همسو با ارزشها و ایده‌های اسلامی باشند یا حداقل در تعارض با الگوها و آرمانهای والای الهی - انسانی نباشند (خادمی، ۱۳۸۱). حسن و همکاران (۲۰۱۵) دو سطح روبنایی و زیربنایی را به عنوان دو مؤلفه کلیدی برای اسلامی شدن دانشگاه در نظر گرفته‌اند. سطح روبنایی مربوط به سیما و ظواهر دانشگاه؛ یعنی رعایت شئون و شعائر اسلامی در دانشگاه است (اوپاتوکون، ۲۰۱۳)؛ در سطح زیربنایی نیز توجه به علم به عنوان ابزاری برای رسیدن به قرب الهی در الویت اول قرار دارد. (آجیز، ۲۰۱۶)

امام خمینی (ره) معنای اسلامی شدن را چنین می‌فرماید: معنای اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از وابستگی به غرب و شرق جدا کند و یک کشور مستقل و دانشگاه مستقل و یک فرهنگ مستقل داشته باشیم. به طور کلی سه مقوله انسان‌سازی، قطع وابستگی و حفظ استقلال کشور و حفظ و تداوم انقلاب اسلامی، از رسالتهای دانشگاه اسلامی از منظر امام خمینی است (آدمی، ۱۳۹۲). همچنین جوادی آملی (۱۳۸۶) دانشگاه اسلامی را چنین توصیف و تبیین کرده است: دانشگاه اسلامی همت خود را مصروف به ادارک و فهم فعل خدا قرار داده، در صدد تفسیر جهان خلقت است. اگر تفسیر قول خدا، علم اسلامی را به دست می‌دهد، تفسیر فعل خدا نیز علمی اسلامی محسوب می‌شود. پس، داشتن دانشگاه اسلامی منوط به داشتن علوم اسلامی است و این علم زمانی فراهم می‌شود که اولاً، علم را به حریم هندسه معرفت دینی راه دهیم و چتر دین را بر سر آن بگسترانیم و ثانیاً، طبیعت را خلقت بینیم و میان طبیعت‌شناسی و الهیات، وفاق و آشتی برقرار کنیم و از سیر افقی فقط در مسیر علم دست برداریم و هرگونه فکر ناب، اندیشه سره، عقل صرف و رهاورد علم صائب را موهبت الهی بدانیم که به انسان اعطا شده است.

سه ویژگی‌های متمایز دانشگاه اسلامی

فضل‌الهی و زمانی (۱۳۹۰) معیارها و ویژگی‌های دانشگاه اسلامی را این گونه بیان می‌کنند:

- اجرای برنامه‌های فرهنگی متناسب با فرهنگ دینی و ارزشی جامعه، از جمله فراهم کردن زمینه انتخاب طرح و اجرای برنامه‌های فرهنگی - مذهبی هدفمند و از پیش تعیین شده و اجتناب از طرح و بررسی هر نوع مطالب متناقض با اعتقادات و باورهای دینی فراگیران؛

دلایل عدم استقرار نظام حکمرانی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی ... ♦ ۱۰۵

- مخاطب‌شناسی و هماهنگی با مخاطب و توجه به نیازها و علایق دریافت‌کنندگان برنامه‌های فرهنگی - دینی و اطلاع داشتن از سطح آگاهی و پیش‌یافته‌های ذهنی آنان و رعایت احترام و برخورد اصولی؛
- توجه به بایدهای ترویج اخلاق و دین در دانشگاهها از قبیل اخلاص و خدایی بودن هدف همراهی علم و تقوا، صداقت و یگانگی گفتار و کردار؛
- درک اهمیت کار در دانشگاهها و اهمیت امور فرهنگی و شناخت مخاطبان و نیازهای آنها و به کارگیری اکسیر محبت؛
- برخورد عالمانه و بهره‌گیری از اندیشه با دانشجویان و دانشگاهیان و اقدامات فعال و پیشگیرانه در برابر برنامه‌های ضد دینی؛
- توجه به نبایدهای ترویج اخلاق و دین در دانشگاهها از جمله پرهیز از بدبینی و سوءظن نسبت به مخاطبان رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی و دوری از برخورد، جناحی حزبی و تشکیلاتی با دانشجویان؛
- جلوگیری از پردازش ضعیف موضوعات دینی و وجود خرافات در آنها؛
- استفاده از منابع علوم دینی در تنظیم محتوای درسی دروس دانشگاهی؛
- بررسی مفهوم علم و توجه به خصوصیات علم از قبیل دعوت به توحید آدم‌سازی، توجه به خدا، اولویت به ترکیه به عنوان هدف اصلی تربیت، تکمیل مکارم اخلاق و تلفیق مفاهیم اسلامی با علم کنونی و تشویق تفکر انتقادی به عنوان ساختار فکری غالب در دانشگاه؛
- داشتن اساتید متخصص و متعهد و آشنا به معارف اسلامی و دانشجوی ملتمز و تعهد به اصول دین برای بیان واقعیتها و حفظ دین و کشور، مواجهه معقول و منطقی و متناسب با منحرفان و اخلاک‌گران، نجات مغزهای شبه‌زده، مؤمن ساختن دانشگاهیان، امانتداری نسل آینده، تربیت متخصص مستقل، مقابله با کارشکنی و بی‌تفاوتی، مسئولیت‌پذیری، اصلاح فرهنگ و استقلال آن دور کردن ناامیدی از دل‌های دانشجویان، آگاه کردن جوانان، اصلاح کتابهای درسی، قطع امید از غرب، تربیت اخلاقی، تربیت صحیح اسلامی و پاک‌سازی محیط آموزشی؛
- تربیت و پرورش استادان و دانشجویان متعهد برای آگاه‌سازی ملتها، ملتمز به احکام اسلام، حفظ انسجام و تقویت ایمان خویش، پر کردن مساجد، تداوم‌دهنده راه انقلاب، مقابله با منحرفان و تفرقه‌افکنان؛

- مدیریت مبتنی بر اساس اصول اسلامی و دینی، اخلاق مدیریتی و پرهیز از تبعیض مثبت و تصمیمات در باب جذب دانشجوی، شهریه و کمکهای مالی، مدیریت اسناد و مدارک، معیارهای دسترسی به محیط فیزیکی، عدم سوءاستفاده از قدرت و تعارض منافع، اطلاعات محرمانه، امنیت و بزهکاری تخلفات نرم افزاری و حق انحصاری اثر و تخلفات اینترنتی.

همچنین رهبر فرزانه انقلاب درباره دانشگاه اسلامی اینگونه می‌فرماید: «در دانشگاه اسلامی علم با دین و تلاشگری با اخلاق و تضارب افکار با سعه صدر و تنوع رشته‌ها با وحدت هدف و کار سیاسی با سلامت نفس تعمق و ژرف‌نگری با سرعت عمل و خلاصه، دنیا با آخرت همراه است. (علم‌الهدی، ۱۳۸۲)

۳. پیشینه پژوهش

در زمینه موضوع مورد مطالعه، پژوهشی به صورت کاملاً تخصصی انجام نشده است؛ ولی پژوهشهایی در راستای مسئله پژوهش حاضر انجام شده است که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

حاجی‌پور و بهادران (۱۳۹۱) در پژوهشی، شایستگی‌های محوری دانشگاه مطلوب را در نظام اسلامی، در سه بعد استاد و دانشجو و فضای حاکم بر آن با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری بررسی کردند. یافته‌ها حاکی از آن است که در سه حوزه مربوط به شایستگی‌های محوری دانشگاه مطلوب در اندیشه‌های مقام معظم رهبری، سه رکن ریشه‌ای دانشگاه مطلوب در نظامی اسلامی شناسایی شد که عبارتند از: فضیلت، علم و بصیرت. بر این اساس، شایستگی‌های محوری که سبب تمایز دانشگاه اسلامی با دیگر دانشگاههاست، عبارتند از: جهاد علمی و عملی، تهذیب، معنویت و تربیت صحیح، بصیرت‌افزایی، حضور با انضباط در صحنه‌های نظام، نقش‌آفرینی در سازندگی آینده آن.

کشتکار و نوروزی (۱۳۹۵) در پژوهشی به ارائه الگوی مفهومی دانشگاه اسلامی از منظر مقام معظم رهبری پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که الگوی نهایی حرکت به سمت دانشگاه اسلامی مشتمل بر سه محور دانشجوی انقلابی، استاد متقی و عالم و اهداف انقلاب اسلامی است که در بستر هم‌افزا و تکاملی اهداف، چشم‌انداز و رسالت دانشگاه ارائه شد.

شاکری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به تدوین الگوی دانشگاه اسلامی در دیدگاه مقام معظم رهبری بر اساس نظریه داده‌بنیاد پرداختند. در این پژوهش با طبقه‌بندی مفاهیم، مقوله‌های فرعی و محوری و یافتن مقوله هسته‌ای با استفاده از روش کدگذاری باز، محوری

دلایل عدم استقرار نظام حکمرانی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی ... ♦ ۱۰۷

و انتخابی، مقوله‌های شکل‌دهنده دانشگاه اسلامی و روابط بین آنها در قالب مدل پارادایمی ظهور یافت که شامل شرایط علی (۹ مقوله)، مقوله هسته‌ای (توأمان کردن علم و تقوا)، راهبرد (۹ مقوله)، شرایط محیطی (۴ مقوله) و ویژگی‌های زمینه‌ای (۴ مقوله) و پیامدها (۴ مقوله) است. در این مدل، کانون توجه مقام معظم رهبری (مقوله کانونی)، پدیده اصلی؛ توأمان کردن علم و تقوا در دانشگاه است.

ذوالفقارزاده و سعدآبادی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بازتعریف کارکردهای اصلی دانشگاه در جامعه بر اساس آرمانهای اسلامی در اندیشه امام خمینی پرداختند، در این پژوهش، پنج مقوله اصلی شامل انسان‌سازی، استقلال فکری و تحقق فرهنگ توانستن، پی‌ریزی و ساختن آینده، تضمین سعادت ملتها و هدایتگری جامعه و حفظ و تداوم انقلاب اسلامی، به عنوان کارکردهای اصلی و رسالت دانشگاه بر اساس آرمانهای اسلامی در اندیشه امام خمینی شناسایی شد.

مهدی (۱۳۹۲) در پژوهشی به ارائه الگوی دانشگاه اسلامی پرداخت. در الگوی ارائه‌شده پژوهش وی؛ پدیده، عوامل علی، زمینه‌ها، شرایط محیطی، راهبردها و پیامدهای دانشگاه اسلامی شناسایی شدند. احیا و تعمیق باور دانشجویان به ارزشهای اسلامی - ایرانی، مقوله کانونی الگوی فرهنگی نظریه دانشگاه اسلامی است. مواجهه با موضوع اسلامی شدن دانشگاه باید یک مواجهه فرایندی و فرهنگی باشد. تجلی اصلی دانشگاه اسلامی، نفی تقلید و تأثیرپذیری ماشینی از الگوهای فرهنگ دانشگاهی و فرهنگ عمومی غرب است. بر اساس الگوی حکومتی جمهوری اسلامی، دانشگاه اسلامی باید همزمان حاوی ارزشهای اسلامی و ایرانی باشد.

فراستخواه و آبسالان (۱۳۹۶) در پژوهشی به فراتحلیل پژوهشهای انجام‌شده درباره اسلامی شدن دانشگاه در ایران بعد از انقلاب پرداختند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که پژوهشهای انجام‌شده در حوزه اسلامی شدن دانشگاه را می‌توان با تسامح، حول پنج مضمون گرایش دانشگاهیان به اسلامی شدن، مفهوم اسلامی شدن، راهکارها و موانع اسلامی شدن، امکان و ضرورت اسلامی شدن و ایدئولوژی و قدرت سامان داد.

یافته‌های پژوهش فضل‌الهی و حیدرزاده (۱۳۹۸) با عنوان «دانشگاه اسلامی؛ دانشگاهی یاددهنده (ضرورت و چالشها)» نشان داد که در دنیای در حال تغییر کنونی، رهبران در حالی که یاد می‌دهند، خود نیز باید به طور مداوم یاد بگیرند؛ این اساس چرخه یادگیری شرافتمندانه است. در دانشگاههای یاددهنده، رهبران رسالت خود را در آموزش افراد جستجو

می‌کنند. آنها آموزش می‌دهند و معتقدند آموزش، بهترین روش توسعه کارکنان است. در دانشگاه یاددهنده، رهبران با ارزشها زندگی می‌کنند. بر اساس پژوهشهای انجام‌شده پیش‌گفته، می‌توان گفت با توجه به اینکه در کشوری اسلامی زندگی می‌کنیم، هنجارها و ارزشهای دینی برای ما بسیار دارای اهمیت است؛ لذا لازمه داشتن دانشگاه اسلامی، وجود یک رویکرد مدیریتی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در سطح دانشگاه می‌باشد. اما متأسفانه با تأکیدی که در اسناد بالادستی بر آن شده، هنوز رویکرد مدیریتی مبتنی بر اسلام در دانشگاه حاکم نشده است. از این رو، ضرورت انجام پژوهش حاضر به منظور شناسایی دلایل عدم استقرار نظام حکمرانی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی کشور احساس شده است.

(ب) روش‌شناسی

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی؛ به لحاظ زمانی، عرضی-مقطعی؛ به لحاظ مکان اجرا، میدانی و به لحاظ چگونگی گردآوری داده‌ها، کیفی است. با در نظر گرفتن این نکته که پژوهشگران صرفاً به دنبال توصیف تجارب زیسته خبرگان دانشگاهی و پژوهشگاهی پیرامون چالشهای عدم استقرار نظام حکمرانی و مدیریتی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی کشور ایران بودند؛ لذا از روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده کردند. مشارکت‌کنندگان در پژوهش، شامل خبرگان دانشگاهی و پژوهشگاهی با سابقه انجام پژوهشهای حوزه نظارت و ارزیابی در آموزش عالی بودند که با استفاده از روش هدفمند از نوع گلوله برفی و با در نظر گرفتن اشباع نظری در یافته‌ها، تعداد ۱۴ نفر انتخاب شدند. (جدول ۱)

جدول ۱: مشخصات خبرگان دانشگاهی و پژوهشگاهی

کد مصاحبه‌شونده	مرتبۀ علمی	وابستگی سازمانی
۱ م	استادیار	دانشگاه شهید بهشتی
۲ م	استاد	پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
۳ م	استاد	دانشگاه شهید بهشتی
۴ م	استادیار	دانشگاه علامه طباطبائی
۵ م	استادیار	ستاد راهبری نقشه جامع علمی کشور
۶ م	استادیار	ستاد راهبری نقشه جامع علمی کشور
۷ م	استاد	مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

دلایل عدم استقرار نظام حکمرانی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی ... ♦ ۱۰۹

کد مصاحبه‌شونده	مرتبۀ علمی	وابستگی سازمانی
۸ م	دانشیار	مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
۹ م	دانشیار	شورای عالی انقلاب فرهنگی
۱۰ م	دانشیار	دانشگاه امیرکبیر
۱۱ م	استادیار	وزارت علوم
۱۲ م	دانشیار	شورای عالی انقلاب فرهنگی
۱۳ م	دانشیار	پژوهشگاه مواد و انرژی
۱۴ م	استادیار	ستاد راهبری نقشه جامع علمی کشور

پژوهشگران برای جمع‌آوری داده‌ها، از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته و برای تحلیل داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌های انجام شده، از روش تحلیل محتوا با رویکرد استقرایی مبتنی بر الگوی گرانهایم و لاندمن (۲۰۰۴) استفاده کردند. بر این اساس، مراحل طی شده در تحلیل داده‌های به‌دست آمده، شامل تعیین واحد تحلیل (به واحد اصلی متن که طی واحد تحلیل، مبنای طبقه‌بندی قرار می‌گیرد، اشاره دارد. در این پژوهش، محتوای مصاحبه‌ها به عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شد)، مشخص کردن واحدهای تبیینی (عبارت است از مجموعه‌ای از واژگان یا جمله‌ها که بتوان ارتباطی از معانی مشابه و یکسان در آنها یافت. در این مرحله، جملات یا گزاره‌هایی از محتوای مصاحبه‌ها که به بهترین حالت، بیانگر مسائل معینی از چالشهای عدم استقرار نظام حکمرانی و مدیریتی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی کشور ایران بودند، شناسایی و به عنوان واحدهای تبیینی مشخص شدند)، مفهوم‌سازی واحدهای تبیینی یا تبدیل واحدهای تبیینی به کدهای باز (در این مرحله، واحدهای تبیینی - جملات یا گزاره‌های بیانگر مسئله مورد پژوهش - و آنچه در مرحله قبل تر از مصاحبه‌ها استخراج شده بودند، در قالب کدهای باز مفهوم‌سازی یا به عبارتی خلاصه‌سازی و کدگذاری شدند)، بازنگری کدها با متن (در این مرحله، کدهای بازی که از طریق مفهوم‌سازی یا خلاصه‌سازی واحدهای تبیینی استخراج شده از مصاحبه‌ها ظهور یافته بودند، با متن اصلی مصاحبه‌ها مطابقت داده شدند و کدهای مشابهی که بیانگر یک مفهوم بودند، در هم ادغام و تحت عنوان یک کد مشترک ارائه شدند)، مقوله‌بندی مسائل (در این مرحله نیز مفاهیم یا کدهای باز، بر اساس وجود وجه اشتراک یا افتراق با یکدیگر، به صورت خوشه‌های معناداری با عنوان «مقوله» گروه‌بندی شدند). برای بررسی اعتبار یافته‌های پژوهش

حاضر نیز از دو راهبرد بررسی توسط اعضای مشارکت کننده در پژوهش و بررسی توسط همکاران استفاده شد.

ج) یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های به دست آمده از تحلیل محتوای استقرایی مصاحبه‌ها، دلایل عدم استقرار نظام حکمرانی و مدیریتی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی کشور ایران، پنج مقوله «نبود الگوی مدیریتی، مبتنی بر سند دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی»؛ «کم توجهی در تربیت حکمرانان و مدیران، مبتنی بر شاخصها و ویژگی‌های دانشگاه اسلامی»؛ «غلبه مدیریت سیاسی بر مدیریت اسلامی و علمی در نظام آموزش عالی»؛ «عدم باور و همراهی عمده بدنه علمی و کارشناسی وزارت علوم، دانشگاهها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی در استقرار و مدیریت دانشگاه اسلامی» و «ملتزم نبودن مدیران و رؤسای نظام آموزش عالی» و «ملتزم نبودن مدیران و رؤسای نظام آموزش عالی کشور به مسئولیت پذیری و پاسخگویی در خصوص مدیریت مبتنی بر دانشگاه اسلامی» تقسیم بندی شدند. (نگاره ۱)



نگاره ۱: دلایل عدم استقرار نظام حکمرانی و مدیریتی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی کشور

۱. نبود الگوی مدیریتی مبتنی بر سند دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی یکی از مسائلی که در رابطه با استقرار نیافتن نظام مدیریتی و حکمرانی آموزش عالی مبتنی بر سند دانشگاه اسلامی وجود دارد، نبود الگوی مدیریتی مبتنی بر سند دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی است. سند دانشگاه اسلامی در فصل ۸ (نظام مدیریتی)، بر تعیین ضوابط و شاخصها و ویژگی‌های مدیران نظام آموزش عالی در انتخاب، انتصاب، عزل و برکناری تأکید کرده است. این به معنای آن است که سند دانشگاه اسلامی، الگو و مدلی برای مدیران، رؤسا و حکمرانان نظام آموزش عالی تعیین کرده است. همان‌طور که پیداست، داشتن الگو در انجام هر کاری ما را به سمت مسیر درست و صحیح هدایت می‌کند. متأسفانه بعد از حدود هفت سال که از تصویب و ابلاغ سند دانشگاه اسلامی می‌گذرد، هنوز الگوی مدیریتی‌ای که بر اساس مبانی اسلامی و بر اساس سند دانشگاه اسلامی باشد، تهیه و تدوین و اجرا نشده است. وجود الگوی مدیریتی و حکمرانی مبتنی بر سند دانشگاه اسلامی، نظام آموزش عالی را در اجرای مأموریتها و تحقق اهدافش یاری می‌رساند. آموزش عالی کشور نیازمند یک الگوی جامع مدیریتی و حکمرانی در نظام آموزش عالی است تا همه ضوابط و معیارهای انتخاب مدیران و حکمرانان در آن مشخص شده باشد و بر اساس آن معیارها و ضوابط مدیران و رؤسای دانشگاهها انتخاب و برکنار بشوند. اما وضعیت موجود نظام آموزش عالی و نحوه انتخاب و برکناری رؤسا و مدیران آن حاکی از آن است که الگویی مبتنی بر سند دانشگاه اسلامی در کشور وجود ندارد. مشارکت‌کننده شماره ۸ در این باره دیدگاه ذیل را مطرح کرده است:

«الان این سند دانشگاه اسلامی که هست به بخش حکمرانی و مدیریت در دانشگاهها بسیار تأکید کرده است و یک فصلی هم بدین نام آورده شده است، در راهبرد ۱ نظام مدیریتی سند دانشگاه اسلامی گفته شده که باید نظام جامع مدیریت اسلامی در دانشگاهها طراحی و تدوین گردد. اما در واقعیت می‌بینیم که چنین نظامی تدوین نشده است و ما هنوز که چندین سال است از تصویب و ابلاغ این سند می‌گذرد، شاهدیم که در زمینه طراحی الگویی معین برای مدیریت در دانشگاهها اقدامی صورت نگرفته است.»

همچنین مشارکت‌کننده شماره ۱۱ در خصوص عدم توجه به ضوابط، شاخصها و ویژگی‌های سند دانشگاه اسلامی در انتخاب و برکناری مدیران و رؤسای نظام آموزش عالی بیان کرد:

«در سند دانشگاه اسلامی آورده شده است که ضوابط، شاخصها و ویژگی‌های مدیران و حکمرانان دانشگاهی باید بر اساس تعهد، تخصص، مهارت و بینش سیاسی مبتنی بر مبانی اسلامی تدوین و تعیین شود، یعنی در این سند تدوین شاخصها و ضوابط انتخاب و برکناری مدیران دانشگاهها آورده شده است، این به معنی این است که در سند دانشگاه اسلامی برای مدیریت در نظام آموزش عالی چارچوبی مبتنی بر اصول و مبانی اسلامی تعیین شده است، اما ما در انتخاب و برکناری مدیران و رؤسای دانشگاهها به آنها توجه نمی‌کنیم».

۲. کم‌توجهی در تربیت حکمرانان و مدیران، مبتنی بر شاخصها و ویژگی‌های دانشگاه

اسلامی

امروزه در کشورهایی که مقوله حکمرانی و مدیریت خوب مورد تأکید و توجه قرار گرفته است، مؤسسات و مراکزی وجود دارد که برای بخشهای مختلف کشور، حکمران تربیت می‌کنند؛ مثلاً برای اقتصاد، برای سیاست، برای آموزش عالی و ... حکمرانان و مدیرانی بر اساس شاخصها و معیارهای بومی و جهانی خودشان تربیت می‌کنند. افراد تربیت شده تبدیل به مدیرانی می‌شود که در بخشهای مختلف مد نظر، حکمرانی می‌کنند. اما متأسفانه در کشور ما با وجود تأکید سند دانشگاه اسلامی بر این نکته، به آن توجه جدی نمی‌شود. معضلات و مسائلی که در حوزه‌های مختلف کشور وجود دارد، تا حدود زیادی به نبود حکمرانان و مدیران خوب مبتنی بر سند دانشگاه اسلامی برمی‌گردد. این مسئله نیز از آنجایی می‌شود که اهمیت تربیت حکمرانان و مدیران در کشور نهادینه نشده است. به طور خاص، نظام آموزش عالی از نبود مؤسسات و مراکز تربیت حکمران و مدیران خوب رنج می‌برد. نتایج نبود چنین مؤسسات و مراکزی برای تربیت حکمرانان نظام آموزش عالی، در انتخاب وزیر برای تصدی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و انتخاب رؤسا و مدیران دانشگاهها خودش را نشان می‌دهد. بنابر این، کم‌توجهی به تربیت حکمرانان و مدیران، مبتنی بر شاخصها و ویژگی‌های سند دانشگاه اسلامی، یکی از مسائل موجود نظام آموزش عالی کشور است که در این زمینه، روایتهای مصاحبه‌شونده شماره ۵، این نکته را نیز نشان می‌دهد:

«ضعفهای اساسی که در وزارتخانه‌های ما از جمله وزارت آموزش عالی وجود دارد، نشأت گرفته از این واقعیت هستند که ما حکمران و مدیر عالی تربیت نکردیم؛ الان برای همه وزارتخانه‌ها وزیر انتخاب شده است، ولی برای وزارت آموزش عالی هنوز وزیری انتخاب نشده است. چون واقعاً در زمینه آموزش عالی ضعف داریم و دست دولت برای انتخاب افراد بسته است؛ یعنی افراد مناسبی که

دلایل عدم استقرار نظام حکمرانی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی... ♦ ۱۱۳

بتوانند در زمینه آموزش عالی حکمران باشند به شدت کم هستند؛ زیرا برای این منظور تربیتی صورت نگرفته است».

۳. غلبه مدیریت سیاسی بر مدیریت اسلامی و علمی در نظام آموزش عالی
انتخاب وزرای «عتف» تحت تأثیر سیاست‌زدگی وزارتخانه قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، انتخاب معاونان، رؤسای دانشگاهها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی نیز تحت تأثیر چنین رویکردی قرار می‌گیرد. در اداره نظام آموزش عالی کشور، دیدگاهها و رویکردهای سیاسی افراد بر دیدگاهها و رویکردهای اسلامی و علمی آنها غلبه می‌کند. بنابر این، کل فرایند انتخاب و برکناری افراد در نظام آموزش عالی تحت سیطره سیاست و سیاست‌زدگی قرار می‌گیرد. از طرفی دیگر، در جامعه اسلامی مدیران، بدون داشتن شاخصه‌ها و ویژگی‌های مدیریت اسلامی نباید منصوب شوند. مسئولیتها و مدیریتها باید به کسانی سپرده شوند که دارای شاخصه‌های مدیریت اسلامی‌اند. از نظر مبانی فکری نیز افرادی که اعتقادی به مکتب اسلامی ندارند، نمی‌توانند مجری مکتب اسلام در جامعه باشند و مجری در جامعه اسلامی باید جزء معتقدترین افراد به مبانی و ارزشهای اسلامی باشد. داشتن صلاحیتهای اعتقادی و تخصصی به عنوان معیارهای انتخاب مدیران باید یک اصل در نظر گرفته شود. متأسفانه جهت‌گیری‌های سیاسی به عنوان معیار انتخاب مدیران دانشگاهها لحاظ می‌شوند و با تغییر دولتها، مدیران دانشگاهی نیز تغییر می‌کنند که این به عنوان آفتی برای نظام آموزش عالی کشور مطرح است. در ادامه، صحبت‌های مصاحبه‌شونده شماره ۹ ارائه شده است:

«انتخاب یک وزیر همواره با تغییرات در سطح دانشگاهها همراه است؛ به طوری که مشاهده می‌شود با ورود یک وزیر و تغییر دولت تمامی رؤسای دانشگاهها عوض می‌شوند؛ یعنی اینکه عمدتاً دیدگاههای سیاسی حاکم بر وزارتخانه در انتخاب مدیران همراستا با جناح فکری وزیر نقش مؤثری و تعیین‌کننده را دارد. ممکن است مدیر سیاسی باشد، اما بینش عمیق اسلامی و علمی نداشته باشد. شاخصهای علمی و شاخصهای فرهنگی و اسلامی کمتر بهش توجه می‌شود».

۴. عدم باور و همراهی عمده بدنه علمی و کارشناسی وزارت علوم، دانشگاهها، مراکز و

مؤسسات آموزش عالی در استقرار و مدیریت دانشگاه اسلامی

یکی از مشکلات اساسی دانشگاهها، کمبود کارکنان و کارشناسان با مهارت و آشنا به مسائل و مشکلات نظام آموزش عالی است که بتوانند رؤسا، مدیران و حکمرانان را در اجرای برنامه‌ها و تحقق اهداف نظام آموزش عالی همراهی کنند. برای اجرای یک الگو و نظام

مدیریتی مناسب صرفاً وجود یک مدیر و حکمران کافی نیست. مدیر و حکمران زمانی می‌تواند برنامه‌ها و اهداف نظام آموزش عالی را پیش ببرد که افراد زیردست مدیر و کارشناسان و کارکنان نظام آموزش عالی در انجام امور اهتمام ورزند و مدیر را یاری کنند. این باور و اعتقاد زیردستان و کارشناسان می‌باشد که مدیر را مؤفق و ناموفق نشان می‌دهد. زمانی که کارکنان و کارشناسان به سند دانشگاه اسلامی باور و اعتقادی نداشته باشند و به اجرای راهبردها و اقدامات آن توجهی نداشته باشند، مدیر به تنهایی نمی‌تواند کاری را پیش ببرد. متأسفانه بدنه کارشناسی نظام آموزش عالی ما با کارهای روتین و یکنواخت انس گرفته است و اهمیتی برای تغییرات ندارند و مدیران را در اجرای برنامه‌ها یاری نمی‌کنند. در ادامه، واحد تبیینی مرتبط با این مسئله که از جانب مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ بیان شده، ارائه شده است:

«کارشناسان دانشگاه‌های ما به انجام کارهای روتین عادت کرده‌اند و تمایلی به تغییر را از خود نشان نمی‌دهند، لازمه رسیدن به مدیریت بر مبنای آموزه‌های اسلامی همراه شدن زیردستان و کارکنان سطح اجرایی دانشگاه با مدیریت می‌باشد که باور دیرینه در دانشگاه‌ها این است که مدیر منافع خود را دنبال می‌کند و کارکنان با مدیران همراه نمی‌شوند»

۵. ملتزم نبودن مدیران و رؤسای نظام آموزش عالی کشور به مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی

در خصوص مدیریت مبتنی بر دانشگاه اسلامی

مدیران، رؤسا و مجریان نظام آموزش عالی باید نسبت به اسناد بالادستی نظام آموزشی عالی (سند دانشگاه اسلامی) و اجرای آن اهتمام داشته باشند. همچنین، مدیران و رؤسای نظام آموزش عالی باید نسبت به سیاست‌هایی که اتخاذ می‌کنند و برنامه‌هایی که در پیش می‌گیرند، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی داشته باشند. برای مثال، یکی از سیاست‌های کلی نظام آموزش عالی که در دهه‌های اخیر، به خصوص دهه گذشته در پیش گرفته شده، سیاست توسعه و گسترش کمی دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی کشور است. مسئولان و مدیران چنین سیاستی، باید مسئولیت آن را بر عهده بگیرند و نسبت به آن پاسخگو باشند. مدیران و رؤسای نظام آموزش عالی هر برنامه و سیاستی که اتخاذ می‌کنند، باید به دو اصل بسیار مهم و اساسی مدیریت با نام‌های «مسئولیت‌پذیری» و «پاسخگویی» توجه داشته باشند. همان‌طور که گفته شد، مدیران و رؤسای نظام آموزش عالی نسبت به عدم اجرای اسناد بالادستی، به خصوص سند دانشگاه اسلامی باید پاسخگو باشند. واقعیت موجود نظام آموزش عالی کشور

دلایل عدم استقرار نظام حکمرانی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی ... ۱۱۵

نشان می‌دهد سند دانشگاه اسلامی چندان مورد تأکید و توجه رؤسا و مسئولین نظام آموزش عالی قرار نگرفته است. بنابر این، یکی از مسائلی که منجر به عدم استقرار نظام مدیریتی و حکمرانی مبتنی بر سند دانشگاه اسلامی شده است، مسئله ملترم نبودن مدیران و رؤسای نظام آموزش عالی کشور به مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مدیریت مبتنی بر سند دانشگاه اسلامی است. به ارائه نمونه‌ای از مصاحبه‌شونده شماره ۳ در خصوص مسئله مذکور پرداخته شده است:

«ما در قبال مدیریت علمی دانشگاهها که هیچ‌گونه مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی نداریم، در خصوص مباحث فرهنگی و اسلامی در دانشگاهها نیز مسئولیت‌پذیر و پاسخگو نمی‌دانیم و نگاههای سطحی به این موضوع داریم.»

همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ در خصوص اولویت نداشتن برنامه‌های تربیتی اسلامی در برنامه کلان وزارت و دانشگاهها گفته است:

«مدیران و رؤسای وزارت و دانشگاهها عمدتاً نگاه آکادمیک و تکنوکراتی به مدیریت دانشگاهی دارند و برنامه‌های تربیتی و فرهنگی اسلامی در سیاستگذاری و برنامه‌های آنها کمتر دیده می‌شود.»

د) بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی دلایل عدم استقرار نظام حکمرانی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی کشور با رویکرد کیفی انجام شد. یافته‌های پژوهش، پنج دلیل را برای عدم استقرار نظام حکمرانی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی کشور شناسایی کرده است که در ادامه به بررسی، تحلیل و تبیین هر یک از آنها پرداخته شده است.

یکی از دلایل اصلی عدم استقرار نظام حکمرانی مبتنی بر مبانی اسلامی در نظام آموزش عالی، غلبه مدیریت سیاسی بر مدیریت اسلامی و علمی در نظام آموزش عالی است. از نظر امین مظفر و همکاران (۱۳۹۴)، توزیع قدرت سیاسی مانع تحقق شایسته‌سالاری در نظام آموزش عالی، اهداف و مأموریت‌های آن، برنامه‌های وزیر و قوانین مصوب برای توسعه آموزش عالی و باعث سیاست‌زدگی در نظام آموزش عالی کشور شده است. دولتی و همکاران (۱۳۹۵) نیز با اشاره به اینکه عوامل سیاسی و قانونی، یکی از عوامل زمینه‌ساز برای ارتقای کیفیت نظام آموزش عالی بوده و بسترهای سیاسی و وجود قوانین و مقررات برای کارآمدسازی نظام آموزش عالی ضروری است، دلیل کمبود مدیر کارآمد در نظام آموزش عالی را عدم توجه

به جانشین‌پروری و اعمال تبعیض در این زمینه‌ها یا انتخاب سلیقه‌ای یا قبیله‌ای و سیاسی برشمرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز این نکات مورد توجه بوده است.

در تبیین یافته‌های این بخش از پژوهش می‌توان گفت که در سالهای اخیر، سیاست‌زده شدن دانشگاه باعث شده است ملاکهای سیاسی در انتخاب مدیران، بیشتر مورد توجه قرار گیرد؛ در حالی که در فرایند اسلامی کردن دانشگاهها، به نقش اساسی مدیریت دانشگاه، شایسته‌سالاری و بهره‌برداری از شایستگی‌های آن اشاره شده است و شوای عالی انقلاب فرهنگی در فصل هشتم سند دانشگاه اسلامی، مهم‌ترین سیاستهای راهبردی اسلامی شدن دانشگاه در حوزه مدیریتی «راهبرد تدوین شاخصها و ملاکهای اسلامی شایسته‌سالاری در مدیران دانشگاهی» و «انتخاب مدیرانی متعهد و متخصص با تأکید بر شایسته‌سالاری و در تراز اسلامی» بوده است.

کم‌توجهی در تربیت حکمرانان و مدیران مبتنی بر شاخصها و ویژگی‌های دانشگاه اسلامی، یکی دیگر از دلایل شناسایی شده در پژوهش حاضر بود. قلی‌پور و همکاران (۱۳۹۷) شایستگی‌های مدیران دانشگاهی مبتنی بر سند دانشگاه اسلامی را در شش دسته اصلی، از جمله شایستگی‌های ارزشی و اعتقادی، فردی و شخصیتی، علمی و فناورانه، مدیریتی و اجرایی، ارتباطی و میان‌فردی و تحلیلی، ذهنی و فکری دسته‌بندی کرده است؛ در حالی که یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که تربیت مدیران و حکمرانان در نظام آموزش عالی کشور به نحو احسن صورت نگرفته و مؤسسات و مراکزی برای تربیت حکمرانان متناسب با نیازهای دانشگاه اسلامی در کشور ایجاد نشده است. بنابر این، با عنایت به یافته‌های پژوهش حاضر، ضرورت ایجاد مراکزی برای تربیت مدیران و حکمرانان در نظام آموزش عالی کشور به شدت احساس می‌شود.

ملترم نبودن مدیران و رؤسای نظام آموزش عالی کشور به مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در خصوص مدیریت مبتنی بر دانشگاه اسلامی، یکی دیگر از چالشهای این حوزه بوده است. پاسخگویی (حکمرانی خوب، مستلزم این است که نهادها و فرایندها بکوشند در چارچوب زمانی معقول، در خدمت همه نفع‌بران باشند) و مسئولیت‌پذیری (مسئولیت‌پذیری لازمه کلیدی حکمرانی خوب است. نه تنها نهادهای حکومتی، بلکه سازمانهای آموزشی، خصوصی و جامعه مدنی نیز باید در برابر عموم و نفع‌بران نهادی‌شان مسئول باشند) از مؤلفه‌های کلیدی حکمرانی است (حقیقی و همکاران، ۱۴۰۰)؛ در حالی که یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که مدیران دانشگاهی نسبت به تصمیمات و سیاستهای اتخاذ شده

دلایل عدم استقرار نظام حکمرانی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی ... ♦ ۱۱۷

خود هیچ‌گونه مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی از خود نشان نمی‌دهند. بنابر این، لزوم مسئولیت‌پذیری در اتخاذ تصمیمات و سیاستها، متناسب با اسناد بالادستی کشور ضروری به نظر می‌رسد.

عدم باور و همراهی بدنه علمی و کارشناسی وزارت علوم، دانشگاهها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی در استقرار و مدیریت دانشگاه اسلامی، دیگر چالش شناسایی شده در این پژوهش بود. با عنایت به اینکه بسیاری از کارکنان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور صرفاً مشغول انجام فعالیتهای تکراری و یکنواخت می‌باشند، لذا اگر بخواهیم حکمرانی و مدیریت اسلامی را در دانشگاهها نهادینه کنیم، نخست باید ارزشها و آرمانهای اسلامی در درون بدنه دانشکده‌ها، گروه‌های آموزشی، اعضای هیئت علمی، بدنه دانشجویی، بدنه کارمندی و بدنه پرسنلی دانشگاه، تعمیق پیدا کند. به عبارت دیگر؛ تعمیق این ارزشها در تمام سطوح تصمیم‌گیری و اجرایی دانشگاه و بدنه تمام مدیریتهای دانشگاه ضروری است. در واقع؛ باید برنامه اصلی و عمده دانشگاه، رسوخ فعالیتهای ارزشی به تمامی بدنه تصمیم‌گیر و اجرایی دانشگاه باشد. انجام این کار به طور حتم در بلندمدت اثراتش را نشان خواهد داد و دانشگاه به یک دانشگاه اسلامی تبدیل خواهد شد.

با عنایت به یافته‌های پژوهش حاضر و پژوهشهای همسو، پیشنهادها و توصیه‌های سیاستی پژوهش حاضر برای استقرار حکمرانی و مدیریت اسلامی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی در نظام آموزش عالی کشور به شرح ذیل ارائه می‌شود:

- ایجاد ساختارهای پاسخگو و منعطف در دانشگاهها متناسب با نیازهای جامعه اسلامی؛
- بازنگری در نیروهای انسانی به کار گرفته شده در کادرهای فکری و اجرایی و ارتقای ملاکها و معیارهای صلاحیت تصدی این جایگاهها؛
- دانشگاه باید از خطر کشیده شدن به کشمکشهای فرقه‌ای و عقیدتی و سیاسی و گرفتار شدن در چنبره عوام‌فریبی و جهت‌گیری با نهادهای غیر علمی و حزبی - عقیدتی که حرمت و ساحت علم را وسیله‌ای برای رسیدن به امیال و گرایشهای خاص قرار می‌دهند، به طور جدی پرهیز کند؛
- پایش و بازنگری محتوای برنامه درسی ارائه شده در دانشگاههای کشور برای حرکت به سوی دانشگاه اسلامی.

بدون شك تمامی پژوهشگران، طی مراحل انجام پژوهش خود با دشواری‌های زیادی روبه‌رو می‌شوند. پژوهش حاضر نیز همانند سایر پژوهشهای حوزه علوم رفتاری از این قاعده مستثنا نبوده است. از جمله محدودیتها و مشکلات پیش روی پژوهش حاضر می‌توان به عدم همکاری بعضی از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی با پژوهشگر برای انجام مصاحبه و جمع‌آوری داده‌های بخش کیفی پژوهش و عدم بهره‌مندی از نظرات سیاستگذاران و تصمیم‌گیران در سطوح بالای آموزش عالی اشاره کرد.



دلایل عدم استقرار نظام حکمرانی مبتنی بر مبانی دانشگاه اسلامی ... ۱۱۹

منابع

- آدمی، سیدعلی (۱۳۹۲). «جایگاه دانشگاه و دانشگاهیان در نگاه امام خمینی». قابل دسترس در: <http://www.imam-khomeini.ir/fa>
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). **منزلت عقل در هندسه معرفت دینی**. قم: اسراء.
- حاجی پور، بهمن و مصطفی بهادران شیروان (۱۳۹۱). «شایستگی های محوری دانشگاه مطلوب با تأکید بر اندیشه های مقام معظم رهبری». مدیریت در دانشگاه اسلامی، دوره اول، ش ۲: ۲۵۰-۲۲۷.
- حقیقی، میلاد؛ حسن رضا زین آبادی، حمیدرضا آراسته و عبدالرحیم نوه ابراهیم (۱۴۰۰). «طراحی الگوی حکمرانی مطلوب در نظام آموزش عالی». مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره یازدهم، ش ۳۸: ۳۴۷-۳۲۴.
- خادمی، عین الله (۱۳۸۱). «نقش دانشجویان در اسلامی شدن دانشگاهها». دانشگاه اسلامی، سال ششم، ش ۵: ۹۳-۷۳.
- خرمشاد، محمدباقر و علی آدمی (۱۳۸۸). «انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن ساز». تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، ش ۶: ۱۸۸-۱۶۱.
- ذوالفقارزاده، محمد مهدی و علی اصغر سعدآبادی ارانی (۱۳۹۳). «بازتعریف کارکردهای اصلی دانشگاه در جامعه بر اساس آرمانهای اسلامی در اندیشه امام خمینی». مطالعات راهبردی بسیج. سال هفدهم، ش ۶۵: ۳۱-۵.
- رحیمی پطرودی، سهیل (۱۳۹۰). **دانشگاه اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)**. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- **سند دانشگاه اسلامی (۱۳۹۲)**. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- شاکری، محسن؛ زهرا اکبری و سید علیرضا هوشی السادات (۱۳۹۷). «تدوین الگوی دانشگاه اسلامی در دیدگاه مقام معظم رهبری بر اساس نظریه داده بنیاد». فرهنگ در دانشگاه اسلامی. دوره هشتم، ش ۲۹: ۵۰۰-۴۸۱.
- فراستخواه، مقصود و صادق آبسالان (۱۳۹۶). «اسلامی شدن دانشگاه در ایران بعد از انقلاب؛ فراتحلیلی از پژوهشها». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال بیست و یکم، ش ۴: ۱۰۲-۷۲.
- فراستخواه، مقصود؛ طریفی حسینی، حمید (۱۳۸۹). **بررسی تطبیقی و تحلیلی سیر تاریخی آموزش عالی ایران با تأکید بر تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی**

مؤثر بر آن در سه دوره قاجار، پهلوی و انقلاب اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته آموزش و پرورش تطبیقی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

- فضل‌الهی، سیف‌الله و سید رضا زمانی ده‌یعقوبی (۱۳۹۰). «راهکارهای اسلامی شدن دانشگاه و اولویت‌بندی آنها با رویکردی به دیدگاه استادان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم». معرفت در دانشگاه اسلامی، سال یازدهم، ش ۱: ۱۴۳-۱۱۹.
- قلی‌پور، رحمت‌الله؛ سید رضا سیدجوادین و محمدولی روزبهان (۱۳۹۷). «طراحی الگوی شایستگی مدیران مبتنی بر سند دانشگاه اسلامی». مدیریت منابع در نیروی انتظامی، دوره ششم، ش ۲: ۳۴-۱.
- کشتکار، مهران و خلیل نوروزی (۱۳۹۵). «الگوی مفهومی دانشگاه اسلامی از منظر مقام معظم رهبری». مطالعات راهبردی بسیج، سال نوزدهم، ش ۷۳: ۲۸-۵.
- علم‌الهدی، احمد (۱۳۸۲). «اسلامی شدن دانشگاهها». دانشگاه اسلامی، ش ۱۷: ۲۹-۲۱.
- مهدی، رضا (۱۳۹۲). «نظریه دانشگاه اسلامی: الگوی فرهنگی منتج از روش نظریه‌مبنایی». مطالعات معرفت‌شناختی در دانشگاه اسلامی، دوره هفدهم، ش ۵۴: ۵۰-۲۷.
- مهرآور گیگلو، شهرام (۱۴۰۰). آینده‌نگاری همکاری‌های علمی بین‌المللی در دانشگاه‌های دولتی ایران. رساله دکتری رشته مدیریت آموزش عالی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

- El-Agez, T.M.; S.A. Taya & A. Afghjani (2016). "Research Article Characterization of PVK Polymeric Material Using Rotating Polarizer and Analyzer Ellipsometer with a Speed Ratio 1: 1 Anas A. Alkanoo Department of Physics, Islamic University of Gaza, Gaza, Palestinian Authority". *Science*, 35(1).
- Graneheim, U.H. & B. Lundman (2004). "Qualitative content analysis in nursing research: concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness". *Nurse education today*, 24(2): 105-112.
- Griffin, L. (2010). "Governance innovation for sustainability: exploring the tensions and dilemmas". *Environmental Policy and Governance*, 20(6): 365-369.
- Hasan, M.I.; T.W. Murtini & S.R. Sari (2015). "The Application of Sustainable Architecture in Islamic University". *Advances in Environmental Biology*, 9(23): 27-30.
- Huang, F. (2018). "University governance in China and Japan: Major findings from national surveys". *International Journal of Educational Development*, 63: 9-12.

- Kaufmann, D.; A. Kraay & M. Mastruzzi (2011). "The worldwide governance indicators: Methodology and analytical issues1". *Hague journal on the rule of law*, 3(2): 220-246.
- Keping, Y. (2018). "Governance and good governance: A new framework for political analysis". *Fudan Journal of the Humanities and Social Sciences*, 11: 1-8.
- Khouya, M. & A. Ben Abdolhadi (2020). "Good governance and its impact on economic development: A systematic literature review". *International Journal of Accounting, Finance, Auditing, Management and Economics*, 1(1): 47-67.
- Mollick, A.S.; M.K. Rahman, M.N.I. Khan & M.N. Sadath (2018). "Evaluation of good governance in a participatory forestry program: A case study in Madhupur Sal forests of Bangladesh". *Forest Policy and Economics*, 95: 123-137.
- Munawir, M.; K. Raharjo, M.A. Djalil, H. Syahputra, B. Muslim & M. Adam (2019). "Dimensions of identity strength and organizational citizenship behavior (OCB) in establishing good university governance and performance of religious ideology-based higher educations". *Journal of Applied Research in Higher Education*, 11(2): 72-250.
- Opatokun, K.A.; C.N. Hasim & S.S.S. Hassan (2013). "Authentic leadership in higher learning institution- case-study-int a case study of international Islamic university Malaysia (IIUM)". *International Journal of Leadership Studies*, 8(1): 49-66.
- Adami, Seyyed Ali (2013). "The position of university and academics in the view of Imam Khomeini". Available at: <http://www.imam-khomeini.ir/fa>
- Alamulhadi, Ahmed (2003). "Islamization of universities". *Islamic University*, 17: 21-29.
- Fazl Elahi, Saifullah & Seyyed Reza Zamani Deh Yaqoubi (2011). "The strategies of Islamization of the university and their prioritization with an approach to the point of view of the professors of Islamic Azad University of Qom branch". *The Knowledge in Islamic University*, 11(1): 119-143.
- Ferasatkah, M. & S. Absalan (2017). "Islamization of the University in Post-Revolution Iran; a Meta-Analysis". *The Knowledge studies in Islamic University*, 21(73): 469-498.
- GholiPour, R.; S. Reza SeidJavadein & M. Rozbahan (2018). "A competency model for university administrators based on Islamic University Document (IUD)". *Resource Management in Police Journal of the Management Dept*, 6(22): 1-34.
- Hajipour, Bahman & Mostafa Bahadoran Shirvan (2012). "Desired University with an Emphasis on Core Competencies Based on Supreme Leaders Thoughts". *Management in Islamic University*, 1(2): 227-250.
- Islamic University document (2013). Tehran: Supreme Council of the Cultural Revolution

- Javadi Amoli, Abdullah (2007). **The dignity of reason in the geometry of religious knowledge**. Qom: Isra.
- Keshtkar, Mehran & Khalil Nowrozi (2016). **"Conceptual model of Islamic University from the perspective of Supreme Leader"**. *Basij Strategic Studies Quarterly*, 19(73): 5-28.
- Khademi, Ain Allah (2002). **"The role of students in Islamization of universities"**. *Islamic University Journal*, 6(5): 73-93.
- Khorramshad, M.B. & A. Adami (2009). **"Islamic Revolution: a Civilization-building Revolution; Iranian University"**. *Journal of Iranian Cultural Research*, 2(2): 161-188.
- Mahdi, Reza (2013). **"Islamic University Theory: A Designed Cultural Model by Grounded Theory"**. *The Knowledge in Islamic University*, 17(54): 27-50.
- Mehravar Giglo, Shahram (2021). **Foresight of international scientific cooperation in Iran's public universities**. *Doctoral dissertation in the field of higher education management*, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran.
- Rahimi Petroudi, Sohail (2018). **Islamic University in the thought of Imam Khomeini**. Master's thesis in the field of political thought in Islam, Imam Khomeini and the Islamic Revolution Research Institute, affiliated with the Institute for Editing and Publishing Imam Khomeini's Works.
- Shakeri, Mohsen; Zahra Akbari & Seyyed Alireza Hooshi Alsadat (2018). **"Designing a Model for the Islamic University in the view of the Supreme Leader of the Islamic revolution based on grounded theory"**. *Culture in Islamic University*, 8(29): 481-500.
- Tarifi Hosseini, Hamid (2010). **A comparative and analytical study of the historical course of higher education in Iran with an emphasis on the social, economic, political and cultural changes affecting it in the three periods of Qajar, Pahlavi and Islamic Revolution**. Master's thesis in the field of comparative education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran.
- Zulfaqarzadeh, Mohammad Mahdi; Saadabadi Arani, Ali Asghar (2014). **"Redefining the main functions of the university in society based on Islamic ideals in the thought of Imam Khomeini"**. *Basij Strategic Studies*, 17(65): 5-31.